

### تحلیل و بررسی قرآنی - روایی رویکرد «ذکریان» به نماز و ذکر

علیرضا حیدری نسب<sup>۱</sup>، مهدی بیات مختاری<sup>۲</sup>، محبعلی آبسالان<sup>۳</sup>، عبدالاحد ریسی<sup>۴</sup>

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۵/۴ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۱۱/۱۷)

#### چکیده

نماز، مورد سفارش خاص اسلام و معیار پذیرش اعمال است. فرقه باطنی‌گرای «ذکریه» که از حدود پنج قرن قبل در بلوچستان شکل گرفته مدعی است در اساس آنچه مورد سفارش می‌باشد، «ذکر» است و ترجمه «صلوة» به نماز، که آغازش تکبیر و فرجامش سلام و متنش حاوی انجام پاره‌ای اعمال و اذکار مخصوص می‌باشد، اشتباهی رخ داده از سوی عجم‌هاست. بنابراین از منظر «ذکریه» نماز با شاکله معهود و روش عملی آن، منسوخ و اهتمام به آن کفر است. این رویکرد با تصریح آیات «فَإِذَا قُضِيَتْ الصَّلَاةُ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ عَلَ جُنُوبِكُمْ» و «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدِكْرِي» که بین ذکر و نماز تفاوت قائل شده و همچنین با روایات متواتری مانند «من ترک الصلوة متعمداً فقد کفر» واگرایی دارد. تحلیل سوابق و مشاهده رفتار ذکریان، نشان می‌دهد باورها و رفتارهای این فرقه دور از قرآن و روایات و آیینی عامیانه است که به نظر می‌رسد از روش‌های باطنی هندی نشأت گرفته است.

**کلید واژه‌ها:** بلوچستان، ذکر، ذکریان، نماز، محمد اتکی، محمد جونیپوری

۱. استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول)؛

Email: heydarynasab43@theo.usb.ac.ir

Email: bayatmokhtari@neyshabur.ac.ir

۲. دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه نیشابور؛

Email: M.absalan@theo.usb.ac.ir

۳. دانشیار ادیان و عرفان دانشگاه سیستان و بلوچستان؛

۴. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان؛

raeesi470@yahoo.com

## ۱. مقدمه

ذکریه، فرقه‌ای باطنی‌گراست که بر پایه آمیزش عقاید باطنی، فلسفه وحدت وجود، تأویل قرآن، ظهور مهدی موعود(ع)، عقاید صوفیانه و آداب و سنن محلی در بلوچستان شکل گرفته است. ایشان که به بدعت‌ها و تحریف عبادات اسلامی روی آورده‌اند به جای نمازهای پنجگانه، روزی چند بار به ذکر می‌پردازند و در مقابل مسلمانان نمازگزار به ذکر مشهور شده‌اند؛ آنان به عبادت خدا از طریق تکرار اسامی مربوط به وحدانیت، در حال تمرکز، اهتمام جدی دارند [۳۱، ص ۴۹؛ ۶۰، ج ۲، ص ۲۲] و برای نسخ نماز به آیه «... وَ لَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ...» (عنکبوت/ ۴۵) استدلال می‌کنند [۱۴، ص ۸].

این فرقه که در گویش محلی «ذگری» خوانده می‌شود تقریباً از قرن شانزدهم میلادی در مکران، ناحیه جنوبی بلوچستان شکل گرفته و گسترش یافته است. مطابق دیدگاه سنتی، بنیان‌گذار «ذکریه» شخصیتی اسطوره‌ای به نام «محمد اتکی» (عتقی) با لقب مهدی است [۴۲، ص ۱۴۳؛ ۵۳، ص ۷۰؛ ۲۷، ص ۱۳]. بر این اساس منشأ محمد مهدی بیرون از بلوچستان، اتک<sup>۱</sup> بوده است. این گرایش در اسناد ذکری‌ها به صورت مستندتری وجود دارد. البته در ارتباط با مؤسس این فرقه دیدگاه‌های دیگری نیز یافت می‌شود؛ از جمله اینکه بنیان‌گذاری آن به سیدمحمد جونپوری<sup>۲</sup> یا سیدمحمد داناپوری می‌رسد که مدعی مهدویت بود. جونپوری که با زهد زندگی کرد خود، پدر و برادرش از شاگردان شیخ دانیال چشتی بودند [۲۹، ص ۱۹۸]. مطابق اسناد ذکریم سنتی، مهدی، آیین خود را به بلوچستان برد و در نزدیکی تربت، «کوه مراد» اقامت گزید و در آنجا کتاب خود را به مثابه کتابی آسمانی که بخشی به صورت نظم و بخشی به صورت نثر بود از لای یک درخت کهور<sup>۳</sup> بیرون آورد و خود را مهدی اعلام نمود [۶۰، ج ۲، ص ۲۷].

مطابق برخی گزارش‌ها او در جهت گسترش دعوتش اقدامات متعددی داشت و سرانجام در فراه افغانستان درگذشت. شاگردش شیخ محمد فراهی و یا بوسعید بلیده‌ای آیین او را به بلوچستان آورد [۲۵، ج ۴، ص ۲۸۷؛ ۱۳، ۲۶۸؛ ۲۱، ص ۲۶۱؛ ۵۷، ص ۱۲۱؛ ۵۵، ص ۳۸]. با توجه به نحوه نگرش آیین‌های مهدویت هند و ذکریه بلوچستان، به نظر می‌رسد مؤسس ذکریم، سیدمحمد اتکی است که از تعلیمات سیدمحمد جونپوری

۱. اتک یکی از شهرهای هند است.

۲. جونپور شهری در ایالت اوتارپرادش هند است [۲۳، ج ۱۱، ص ۳۸۰].

۳. کهور درختی گرمسیری است که در سواحل خلیج فارس و دریای عمان می‌روید.

آگاه و به احتمال زیاد از پیروانش بوده است؛ اما تأثیرپذیری او از شرایط بلوچستان و یا آموزش‌های صوفیانه موجب شده است که از تعلیمات جونپوری فاصله گیرد و بالمآل «ذکریه» به صورت آیینی مستقل درآید.

## ۲. پیشینه تحقیق

با توجه به ظهور و انتشار ذکران در شبه قاره هند عمده منابع درباره ایشان به زبان اردو و حیاناً انگلیسی است که برخی از آن‌ها مورد استفاده نویسندگان نوشته حاضر بوده است. جز این در ارتباط با باورها و رفتارشان برخی نوشته‌های محدودی به زبان فارسی نیز وجود دارد. محمد اسعدی به معرفی اجمالی ذکریه، تاریخ، باورها و رفتارشان از جمله در ارتباط با نماز و ذکر پرداخته است [۸، ص ۱۵۷]. دیگری به معرفی ذکران، تاریخ و مناطق حضورشان از جمله تأثیرپذیری آنان در باور و عمل از باطنیان پرداخته است [۳۱، ص ۴۷]. برخی دیگر چون ناصح به مناسبت سخن از قرآنیان اشاراتی نیز به ذکرها نموده‌اند [۵۶، ص ۱۵۳]. لیکن در زمینه موضوع این مقاله نگاشته‌ای یافت نشد. در این نوشته تلاش می‌شود ضمن اشاره به برخی عبادات ذکریه، دیدگاه ایشان درباره ذکر و ادعای جایگزینی آن با نماز از منظر قرآن و حدیث مورد ارزیابی و تحلیل قرار گیرد.

## ۳. باورهای ذکران در یک نگاه

در تاریخ جوامع اسلامی عموماً دو نگرش متقابل به اسلام دیده می‌شود؛ اسلام شریعت یا فقاہت که علما و فقها آن را نمایندگی کرده‌اند و اسلام طریقت یا عرفانی، که عرفا و متصوفه مدعی آن بوده‌اند. نحوه برداشت از رابطه بین شریعت و طریقت خط فاصل بین این دو رویکرد، گاه پرننگ و گاه کم‌رنگ شده است و اصحاب این نگرش‌ها، متناسب با زیاده‌روی یا اعتدال گاه با هم در جدال و گاه در مدارا بوده‌اند. «ذکریه» که طرفدار اسلام طریقت و صوفیانه به حساب می‌آیند برداشت‌های خاصی از اسلام دارند. سیدمحمد جونپوری معتقد بود که واقعیت‌های شریعت الهی را به کمک زبان نمی‌توان دریافت. عوام، شریعت و حقیقت نمی‌دانند و من شریعت پیغمبر را دنبال می‌کنم و همان شریعت را توضیح می‌دهم. او به شریعت سخت علاقه نشان می‌داد و خود را طرفدار اسلام ناب می‌دانست و دستوره‌های قرآن را به دو بخش تقسیم می‌کرد: ۱- ارکان شریعت، ۲- ارکان طریقت. او که خود را مهدی موعود روایات اسلامی می‌خواند،

می‌گفت: من حیث الإطلاق مذهب خدای تعالی و من حیث التقلید مذهب رسول الله(ص) دارم. چنانچه پیغمبر، مبعوث برای نفی اصنام بود من مبعوث برای نفی اجسام و رافع اختلافم. اگر اصحاب مذهب در این زمان بودند در حقایق الهی و معارف یقینی [از] غیر از من متابعت نمی‌کردند. [او] بسیاری از موارد مربوط به ارکان طریقت را از آیین صوفیانه چشتیه<sup>۱</sup> گرفته بود و مقام ذکر را فریضة الهی می‌دانست که برای اجرای آن دوایر غیر ثابت زیادی به وجود آمد. جونپوری خود را کاملاً به اصول مربوط به ارکان شریعت، نماز، روزه، حج و زکات پایبند نشان می‌داد؛ در مورد اجرای شریعت معتقد بود که باید همه چیز و حتی خود را نیز باید قربانی کرد تا قوانین شریعت به کمال برسند [۶۰، ج ۲، ص ۳۵]. آن‌ها شهادتین را عبارت از «لااله الاالله، نور پاک، نور محمدمهدی رسول الله» می‌دانند [۱۱، ص ۱۰۷؛ ۵۸، ص ۴؛ ۳۴، ص ۹] و این عبارت نزد آنان به منزله شهادتین، نزد مسلمانان است. مطابق برخی گزارش‌ها آنان محمدمهدی<sup>۲</sup> را بر تمامی انبیاء(ع) و حتی پیامبر خاتم(ص) مقدم می‌شمردند [۴۲، ص ۱۰۱؛ ۵۳، ص ۲۱-۲۳] بلکه او را خاتم انبیا و مرسلان، نبی آخرالزمان و جاویدان در عرش و در کنار خدا می‌دانند [۳۴، ص ۱۲؛ ۴۲، ص ۱۱۷].

براساس پاره‌ای اظهارات معتقدند تمامی قرآن بر پیامبر اسلام(ص) نازل نشده است؛ قرآن (فرقان) چهل جزء داشته، ده جزء آن ویژه اهل باطن بوده و سی جزء آن اکنون در قرآن هست و برهان التأویل (کتاب مهدی) همان ده جزء پوشیده بر اهل ظاهر است [۴۶، ص ۵؛ ۱۰، ص ۳۶۷]. بنابراین آن‌ها با نگرش به اینکه عبادات جنبه باطنی دارند نماز، روزه و حج را منسوخ می‌دانند. آنان اغلب به جای نماز، ذکر را جایگزین کرده‌اند؛

۱. چشتیه سلسله‌ای صوفی مسلمان در شبه قاره هند، حنفی مذهب و محب ائمه(ع) هستند [۲۳، ج ۱۱، ص ۸۳۰].

۲. درباره مقام محمدمهدی آمده است: «پیش‌تر از همه پیغمبران خیرالبشر محمدمهدی هادی نورالاولین والآخرین موعود و موجود و او را معنی قرآن در باب حقیقت در راه طریقت و معرفت و علم لدنی نور معرفت و علم‌الیقین و نورالیقین و حق‌الیقین و علم سرالیقین و عین‌الیقین و سرالخفی و گنج‌الهدایت به او دادی» که پس از ظهور او پیغمبر مرسل یا نبی دیگری نمی‌آید. محمدمهدی در ارتباط با دین خود از پروردگار سؤال کرد. بلافاصله پاسخ به گونه‌ای آمد که همگان شنیدند؛ در این پاسخ بر «لااله الاالله» تأکید و چنین توصیه شد: امت تو در سه وقت، نیم‌روز، شبانگاه و بامداد با آواز بلند، فصیح و ملیح ذکر خوانند و نماز و روزه را ترک کنند؛ شب در عبادت و روز در فکر ایمان باشند. هر که جز این باشد کافر و گرفتار آتش خواهد بود [۵۱، ص ۱۶۶].

عوض روزهٔ رمضان روزهٔ دههٔ اول ذی‌حجه را واجب و روزهٔ ایام البیض و دوشنبه‌ها را مستحب دانسته با آداب و شرایط متفاوتی برگزار می‌کنند؛ همچنین برای حج، مشاعر و موافق آن معادل‌سازی کرده اعمال حج را در نهم و دهم ذی‌حجه، در محلی نزدیک تربت پاکستان و عمره را در ۲۷ رمضان و در کوه مراد انجام می‌دهند (تصویر ۱) [۴۲، ص ۱۵۳؛ ۵۱، ص ۱۳۷؛ ۳، ص ۱۷؛ ۸، ص ۱۸۱].



(تصویر ۱) نمای ورودی کوه مراد، محل انجام مراسم دینی ذکر بیان

### ۳.۱. انواع ذکر

اغلب اذکار اهل ذکر حاوی کلمهٔ شهادتین و ذکر صوفیانه و آیاتی است که با «ربنا» شروع می‌شود. ایشان معتقدند بر هر مرد و زن عاقل و بالغ فرض است که ذکرهای واجب را بجا آورد و برای آن پاک بودن لباس، بدن و مکان و داشتن وضو ضروری است [۱۱، ص ۱۰۷؛ ۲، ص ۱۸؛ ۸، ص ۱۷۱]. آن‌ها در طی روز به سه شیوه ذکر را اجرا می‌کنند:

**الف: ذکر چهار تسبیحی:** این ذکر بعد از طلوع آفتاب و وقت ظهر و عشاء خوانده می‌شود. در این عمل، هر تسبیح ذکر، عبارت از ۹ یا ۱۳ یا ۵۱ بار گفتن «لااله الاالله» و یکبار گفتن «لااله الاالله الملك الحق المبین نور پاک نور محمد رسول الله صادق الوعد الامین» است. سپس دعاهایی که در قرآن با «ربنا» شروع می‌گردد قرائت و در پایان یک تسبیح و ذکر دیگر شامل دو دعا یا بیشتر خوانده می‌شود [۱۱، ص ۱۰۷؛ ۸، ص ۱۷۱].

**ب: ذکر شش تسبیحی:** ذکر شش تسبیحی در اوقات سحر و مغرب خوانده می‌شود و در آن علاوه بر انجام اعمال و خواندن اورادی که در ذکر چهار تسبیحی آمد، پس از پایان اوراد مذکور یک قیام، یک رکوع و یک سجده و یک نشستن به همراه اذکار خاص انجام می‌شود. در این ذکر که اغلب به صورت دسته جمعی انجام می‌شود افراد با لباس طاهر و با وضو به صورت دایره می‌نشینند و چهار برنامه را انجام می‌دهند:

۱. پس از نیت، تسبیح اول تا ششم با ذکر برخی آیات، دعاها و شهادتین ذکر می‌شود. انجام می‌شود و معمولاً هر تسبیح پانزده بار تکرار می‌گردد.

۲. ذکر لایرجو - این ذکر با جملاتی از اذکار صوفیان و عرفا مبنی بر ضرورت دل بستگی به خدا و بریدن از غیر او صورت می‌گیرد و هر بند سه بار تکرار می‌شود.

۳. ذکر سبحان - در ذکر سبحان، ضمن تسبیح و تنزیه پروردگار، این حقیقت بیان می‌شود که در کون و مکان، همه فعل و انفعالات، به اراده خدا انجام می‌شود و بدون اراده او، هیچ کاری انجام نمی‌پذیرد. هر بند از این ذکر با عباراتی از قبیل «سبحان الذی لایجرى فی ملکه الا ما یشاء» پانزده بار خوانده می‌شود.

۴. ذکر «الله الله» - در این ذکر با تکرار لفظ «الله» برای تثبیت در قلب و روان در هر بند از ذکر، فقط خدا مؤثر واقعی در کائنات دانسته می‌شود و دارای بندهای مختلف است که هر بند سه بار تکرار می‌گردد. ذکر بیان پس از خواندن برخی دعاها تکبیر گفته، بلند می‌شوند و بعضی آیات را می‌خوانند. سپس رکوع کرده ذکر رکوع را می‌گویند و بلند شده پس از خواندن آیه ۲۰۶ اعراف و تکبیر به سجده می‌روند و برخی مطالب و آیات را قرائت و تکرار می‌کنند. پس از پایان ذکر و برنامه سجده که مفصل و طولانی است سر از سجده برداشته بعد از پایان دعا هر کس، تا آخرین نفر به فرد سمت راستش سلام می‌کند.

**ج: ذکر ده تسبیحی:** این ذکر در اوقات تهجد خوانده می‌شود؛ ده قیام، ده رکوع و ده سجده دارد و «لااله الا الله» در ذکرهای دیگر پانزده بار و در این ذکر صد بار تکرار می‌گردد [۱۱، ص ۱۰۷-۱۲۲؛ ۳۴، ص ۹؛ ۵۸، ص ۳۲۰؛ ۸، ص ۱۸۱].

#### ۴. نماز ذکریه

به باور ایشان، محمد مهدی بسیاری از احکام و اعمال مثل نماز<sup>۱</sup> و روزه را منسوخ و ذکر

۱. در ارتباط با موضع ایشان نسبت به نماز گفته‌اند: وقتی شیخ قاسم بلیده‌ای بر کیچ و عمویش ←

حق در اوقات مختلف را جایگزین آن کرد؛ لذا انجام نماز جمعه و عیدین کفر و اهتمام به نمازهای دیگر گناه و خطای فاحش است [۴۲، ص ۱۵۳؛ ۵۱، ص ۱۳۷؛ ۳، ص ۱۷].  
ذکری‌ها معتقدند پیروان فرقه ذکر در سه وقت به آواز بلند، فصیح و بلیغ باید «لااله الا الله» بخوانند؛ شب در عبادت و روز در فکر ایمان باشند و هر کس منکر پیامبری و شریعت محمد مهدی و آیین ذکر که دین حقیقت است باشد و نماز و روزه که از آیین احمدی است بجا آورد؛ نماز جمعه و عیدین گزارد کافر است و از دوزخ خلاصی نیابد [۵۱، ص ۱۶۶؛ ۳، ص ۱۷].

البته بعضی ذکریان بالأخص تجددگرایان این فرقه مدعی پایبندی به نماز هستند. نوری می‌نویسد: گرچه یکی از اصول بنیادی فرقه ذکریه، ذکر کثیر است اما مراد و مفهوم از ذکر شامل عبادت موقت به اوقات مخصوص یعنی نماز هم می‌باشد که عرب‌ها آن را «صلوة» می‌گویند؛ می‌افزاید: عجم‌ها «صلوة» را به نماز ترجمه کردند و اهل ذکر با الهام از قرآن آن را ذکر نامیدند؛ زیرا مراد و مفهوم از «صلوة» در قرآن، همان‌گونه که از آیه ۹ سوره جمعه بر می‌آید ذکر است و «صلوة» یکی از نام‌های ذکر الهی است. همچنین نوشته‌اند: ذکرهای با نهایت اهتمام نماز می‌خوانند؛ البته همان‌طور که اهل فرق اسلامی به روش‌های مختلف نماز می‌خوانند ذکرهای نیز به روش خاص خود نماز می‌خوانند [۵۷، ص ۳۸؛ ۱۵، ص ۵۶].

بعضی از ایشان به‌ویژه نوگرایان، ترک نماز را چنین توجیه می‌کنند: همان‌طور که نماز شامل قصد قربت، قیام، سجود و نشستن و اذکار، همراه با طهارت می‌باشد «ذکر» نیز شامل همین بخش‌هاست [۵۷، ص ۳۸]. در همین ارتباط از برخی گروه‌های همسو با ذکریان، چون فرق قرآنی «اهل الذکر و القرآن» نقل است که ایشان بر خلاف بعضی ذکریان نماز جمعه را به صورت دو رکعت و هر رکعت را با یک سجده برگزار می‌کنند؛ همچنین در شبانه‌روز سه نماز بجا می‌آورند و پس از رکوع بدون برخاستن، به سجده می‌روند [۵۶، ص ۱۵۹]. مشاهدات، حاکی است که ذکرهای، به‌رغم ادعا، نماز را همانند

---

→ شیخ بلال بلیده‌ای بر گوادر حکمران بودند شیخ بلال به دیدار شماری حاجی تازه‌وارد رفت؛ تحت تأثیر آنان، از آیین باطنی ذکریت توبه کرد و به سلک مسلمانان حنفی مذهب درآمد. خواندن نماز را شروع کرد. ملک دینار گچکی، خلیفه دوم ذکریان که از برگشتن شیخ بلال به اسلام و نماز، خیلی نگران شد؛ ذکرهای کیچ را بر علیه شیخ بلال تحریک و به قلعه کیچ حمله کرد ... جز شیخ بلال تمام حاکمان بلیده‌ای بر مذهب ذکر بوده‌اند [۶، ج ۵، ص ۲۳۹؛ ۵۲، ص ۲۸].

فرق پنجگانه اسلامی و به گونه متعارف نزد مسلمانان بجا نمی‌آورند. همچنین اغلب، عبادتگاه‌های خود را به‌جای مسجد، «ذکرخانه» می‌نامند (تصویر ۲) و در اعمال خود قائل به «قبله» هم نیستند؛ لذا مساجد آن‌ها محراب ندارد. هنگام صبح و مغرب که به‌صورت حلقه‌ای مشغول ذکر هستند هر طرف که رخ نموده‌اند به سجده افتاده دقایقی به همان حالت به ذکر و دعا می‌پردازند (تصویر ۳).



(تصویر ۲) نمایی از ذکرخانه‌های فرقه ذکریه



(تصویر ۳) سبک لباس و حالات ذکریه در حال ذکر



## ۵. بررسی و تحلیل نماز

«صلوة» در قرآن به معانی دعا، تبریک و تمجید، آتش افروخته، گرم شدن، وارد شدن یا وارد کردن در آتش، تعظیم و عبادت مخصوص (نماز) آمده است [۲۸، ص ۴۹۱]. این واژه همانند بسیاری از واژه‌ها در قرآن دارای کاربردهای متفاوتی است. برخی مفسران نتیجه گرفته‌اند که معنای جامع صلوة، توجه و انعطاف است و به اعتبار تعلق و نسبت، معنای خاصی پیدا می‌کند [۳۶، ج ۱۶، ص ۳۲۹ و ۳۳۸]. لذا اگر «صلوة» به خدا نسبت داده شود یعنی خداوند با رحمت به آنان توجه دارد (بقره/۱۵۷، احزاب/۵۶) و اگر به فرشتگان منسوب گردد به معنای توجه آنان با استغفار و طلب آمرزش باشد (احزاب/۵۶). وقتی به دیگران منتسب شود به مفهوم توجه با ذکر و دعاست (توبه/۱۰۳) و شاید هم در بسیاری از موارد نسبت دادن «صلوة» به فرشتگان و مردم به یک معنا، به مفهوم توجه با دعا و استغفار باشد [۴۷، ج ۸۳، ص ۹۵] گاهی نیز «صلوة» به معنای دین آمده است (هود/۸۷). این واژه در بیش از ۸۰ درصد از کاربردهای قرآن درباره عبادت و دعای مشخصی به کار رفته به گونه‌ای که تا «صلوة» به کار رود، دعا، تهلیل، تحمید و تسبیح به ذهن متبادر می‌گردد که از آن به نماز تعبیر می‌شود [۲۸، ص ۴۹۱]. «صلوة» در اصطلاح شرع به معنای اعمال مخصوصی است که دارای قیام، قعود، قرائت، رکوع، سجود، و ذکر با شرایط خاص می‌باشد. قرآن و روایات به روشنی دلالت دارند که ذکر، دعا و سجده بخش‌هایی از اعمال نماز را تشکیل می‌دهند. لذا بجا آوردن بعضی از این اعمال چون ذکر یا سجده به تنهایی نمی‌تواند جایش را بگیرد؛ چرا که این امور عبادی و توقیفی‌اند و اختیار یا صلاح‌دید بندگان در آن بی‌محل است. دیدگاه ذکریه از چهار جهت قابل تحلیل و بررسی است:

**الف - پیروی از پیامبر(ص):** ذکریه با پیروی از محمد مهدی و قلمداد کردن او به عنوان منجی و خاتم انبیاء(ع)، روشی کاملاً متفاوت با مسلمانان برساخته‌اند؛ ایشان به دنیای صوفیانه وارد شده نظریات جدیدی بنا کرده‌اند و به نحوی پیروی از قرآن و سنت را کنار نهاده‌اند؛ در حالی که قرآن به صراحت پیروی از پیامبر(ص) را واجب می‌شمارد: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (قطعاً برا شما در [اقتدا به] رسول خدا(ص) سرمشق نیکوست، برا آنکه به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد م‌کند) (احزاب/۲۱). قُلْ إِن كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (بگو اگر خدا را دوست دارید،

از من پیرو کنید تا خدا دوستتان بدارد و گناهان شما را ببخشد و خداوند آمرزنده مهربان است) (آل عمران/۳۱). مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُمْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا (و هیچ مرد و زن مؤمن را نرسد که چون خدا و فرستاده‌اش به کار فرمان دهند، برا آنان در کارشان اختیار باشد و هر کس خدا و فرستاده‌اش را نافرمان کند قطعاً دچار گمراهی آشکار گردیده است) (احزاب/۳۶).

در روایات نیز آمده است که روش عبادت خود، از جمله برگزاری نماز را باید از پیامبر(ص) اخذ کرد: «خذوا عني مناسككم» [۳۸، ج ۲، ص ۳۲۳؛ ۱۷، ج ۵، ص ۱۲۵؛ ۳۸، ج ۱، ص ۱۹۳] «صلوا كما رأيتموني أصلي» [۳۸، ج ۱، ص ۳۱۴؛ ۱۷، ج ۲، ص ۳۴۵؛ ۳۹، ج ۲، ص ۱۸۲].

بر این اساس پیروی از پیامبر(ص) در قرآن و روایت به صراحت آمده است؛ امری که با تأویلات ذکر بیان نمی‌سازد؛ لذا باور و رفتار ایشان در مقام عبادت جز اجتهاد در برابر نص نیست.

#### ب - صلوة یا ذکر: آیات بسیاری دستور به ذکر داده‌اند؛ اما دسته‌ای از این آیات

علاوه بر ذکر به‌طور خاص به نماز و وجوبش پرداخته‌اند:

۱. فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ عَلَ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَ الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا (و چون نماز را بجای آوردید در همه حال، ایستاده و نشسته و بر پهلو آرمیده خدا را ذکر کنید. پس چون آسوده خاطر شدید نماز را بپا دارید زیرا نماز بر مؤمنان در اوقات معین فرض شده است) (نساء/۱۰۳). این آیه حکم نماز برای افراد مریض و گرفتار در شرایط دشوار را اعلام نموده و بیان کرده است که ایشان می‌توانند به صورت ایستاده، نشسته و یا به پهلو نماز بخوانند [۲۰، ج ۳، ص ۲۴۷؛ ۴۴، ج ۲، ص ۴۹۳؛ ۴۸، ص ۵۷].

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَ ذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ \* فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون برای نماز جمعه ندای در داده شد، به سوی ذکر خدا بشتابید، و داد و ستد را واگذارید. اگر بدانید این برای شما بهتر است. و چون نماز گزارده شد، در رو زمین پراکنده گردید و فضل خدا را جویا شوید و خدا را بسیار یاد کنید، باشد که شما رستگار گردید)

(جمعه/۹-۱۰). منظور از «اذکروا الله كثيراً» را ذکر با زبان، اطاعت و یادآوری خدا هنگام داد و ستد شمرده‌اند [۴۱، ج ۳۰، ص ۸؛ ۴۲، ج ۱۸، ص ۱۰۹].

۳. *إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي* (منم، من، خدای که جز من خدای نیست، پس مرا پرستش کن و به یاد من نماز برپا دار) (طه/۱۴). این آیه مبین فلسفه برپایی نماز است و اینکه فوق هر ذکری است و برای اینکه ذکر خدا حاصل شود باید نماز را برپا داشت [۴۵، ج ۳، ص ۱۹؛ ۵۴، ص ۲۹۷؛ ۲۲، ج ۶، ص ۵۵۸؛ ۳۰، ج ۳، ص ۲۶۷].

۴. ... *فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ* (... پس چون از عرفات کوچ نمودید، خدا را در مشعرالحرام یاد کنید و یادش کنید که شما را که پیشتر از بی‌راهان بودید، فرا راه آورد) (بقره/۱۹۸). نکاتی از آیات مذکور قابل استفاده است:

الف - نماز با ذکر متفاوت است والا خداوند بعد از بجا آوردن نماز، مؤمنان را به ذکر امر نمی‌کرد.

ب - نماز، تنها با ارکان و اعمال مخصوص، در زمان و مکان ویژه و با طمأنینه باید برگزار شود؛ ولی ذکر در هر وقت، هر جا و با هر حالت قابل انجام است.

ج - از بیان چگونگی برگزاری نماز و سفارش به ذکر معلوم می‌شود که ذکر خارج از نماز واجب نیست.

د - برای ذکر وصف و شرط خاصی مقرر نشده، بدین جهت باید از عبادات استحبابی باشد. س - از تعبیر «نماز را برای به یاد خدا بودن باید برپا داشت» (طه/۱۴) معلوم می‌شود نماز به‌طور خاص برای ذکر الهی مورد سفارش است.

علاوه بر آن، ذکرین نمازهای عیدین را ناروا و سبب کفر می‌دانند [۵۱، ص ۱۶۶؛ ۳، ص ۱۷] و اهمیت نماز جمعه را نادیده می‌انگارند [۵۱، ص ۱۶۶؛ ۳، ص ۱۷].

در حالی که آنچه در قرآن در این جهت بیان شده است اقامه صلوة است. رسول خدا(ص) فرمود: «مثل الصلاة مثل عمود الفسطاط إذا ثبت العمود نفعت الاطناب و الأوتاد والغشاء و إذا انكسر العمود لم ينفع طنب و لا وتد و لا غشاء» (مثال نماز مثال ستون خیمه است، آن‌گاه که عمود ثابت بود طناب، میخ و پوشش هم سودمند است و اگر ستون شکست هیچ‌یک از آن موارد فایده ندارد) [۴۳، ج ۳، ص ۲۶۶]. امام علی(ع) نیز فرماید: «أوصيكم بالصلاة، هي التي عمود الدين و قوام الإسلام، فلا تغفلوا عنها» (شما را به نماز سفارش می‌کنم که آن، ستون دین و سبب پایداری اسلام است؛ پس از نماز

غافل نشوید) [۴۹، ج ۱، ص ۱۳۳]. در این ارتباط باید گفت «صلوة» در کاربرد قرآنی‌اش با واژه‌های متعددی ارتباطاتی از قبیل جانشینی یا همنشینی دارد که توجه به این موارد به تعیین بهتر دایره معنایی‌اش کمک می‌کند. همنشینی بیش از ۴۵ بار «صلوة» با «اقامه» نشان می‌دهد «صلوة» بیش از آنکه ذکر و ورد باشد از جنس عمل و برپایی مجموعه‌ای از اعمال صالح است؛ یعنی همان امری که پس از ایمان همواره مورد سفارش قرآن است. از جمله ارتباطات واژه «صلوة» رابطه همنشینی یا جانشینی آن با واژه «ذکر» است. بر اساس این ارتباطات می‌توان گفت گرچه مقصد و مفهوم اصلی «صلوة» یادآوری و ذکر است و در پاره‌ای موارد این معنا روشن‌ترین معانی آن و چه بسا مترادف آن می‌باشد (بقره/۲۳۹، عنکبوت/۴۵ و جمعه/۷) لیکن تأمل در چگونگی و چرایی این همنشینی و جانشینی نشان می‌دهد «صلوة» دقیقاً بر «ذکر» منطبق نیست؛ بلکه ذکر، حقیقت «صلوة» و هدف از برپایی آن است. لذا «ذکر» می‌تواند جانشین «صلوة» و با آن در یک حوزه به حساب آید. مطابق برخی روایات، ذکر، چه بسا عمل خاصی هم نیست؛ بلکه از قبیل نیت و توجه قلبی است؛ از امام صادق (ع) نقل است که در ارتباط با «ذِكْرُ اللَّهِ كَثِيرًا» مفرماید: «لَا أَعْنِي سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَ إِنْ كَانَ مِنْهُ» مقصود از ذکر خدا، گفتن «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله» نیست، اگر چه این هم ذکر است. ذکر کثیر یاد خداست: «عِنْدَ مَا أَحَلَّ وَ حَرَّمَ فَإِنْ كَانَ طَاعَةَ عَمِلَ بِهَا وَ إِنْ كَانَ مَعْصِيَةَ تَرَكَهَا» (یک فرد خدا را در ارتباط با حلال و حرامش به یاد آورد، که اگر در مورد اطاعتش بود بدان عمل کند و اگر در ارتباط با معصیت خدا بود آن را رها کند) [۴۳، ج ۲، ص ۸۰]. «صلوة» علاوه بر «ذکر» با واژه‌های دیگری چون تسبیح (بقره/۳۰، آل عمران/۴۶، روم/۱۷ و ۸۸، اعلیٰ/۱ و صفات/۱۴۳)، نسک (انعام/۱۶۲)، مسجد (نساء/۴۳ و اعراف/۳۱) نیز همین ارتباطات را دارد؛ علاوه بر آن با برخی واژه‌ها که از اجزایش به حساب می‌آیند مانند رکوع، سجده، قیام و قنوت نیز بر مسیر جانشینی به کار رفته است [۹، ص ۷۵-۱۰۸].

### ج - اوقات نماز: دسته‌ای از آیات و روایات به شمار و اوقات نماز پرداخته‌اند و انجام

آن را در اوقات خاص واجب شمرده‌اند؛ به چند نمونه اشاره می‌گردد:

۱. حَافِظُوا عَلَ الصَّلَاةِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَ قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ (بر نمازها و نماز میانه مواظبت کنید، و خاضعانه برا خدا بپا خیزید) (بقره/۲۳۸). در تفسیر آیه فوق چنین آمده است: به اجماع مسلمانان نمازهای واجب پنج‌تا هستند. چرا که قرآن در جایی

می‌فرماید: «حَافِظُوا عَلَ الصَّلَوَاتِ» با توجه به اینکه اقل جمع سه‌تاست به موجب این آیه بر سه نماز باید محافظت کرد. سپس سخن از فرض نماز دیگری با وصف وسط «وَالصَّلَاةَ الْوُسْطَى» است و از جایی که میان چهارتا نمی‌شود نماز وسط را معلوم نمود باید نماز پنجمی هم واجب باشد! آیات: روم/۱۷، اسراء/۷۸، طه/۱۳۰ و هود/۱۱۴ دال بر تفصیل اوقات نماز هستند [۴۰، ج ۶، ص ۱۵۵].

۲. أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوداً (نماز را از زوال آفتاب تا نهایت تاریک شب برپا دار و نماز صبح را، زیرا نماز صبح همواره مقرون با حضور فرشتگان است) (اسراء/۷۸). این آیه ناظر به نمازهای پنجگانه و اوقات آن است [۲۰، ج ۳، ص ۲۴۸؛ ۴۴، ج ۲، ص ۴۹۶]. از نظر مفسران «دلوک» زوال خورشید است که شامل صلاة ظهر، عصر، مغرب و عشاء است [۴۰، ج ۶، ص ۱۵۵].

۳. وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَى النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرٌ لِلذَّكْرِينَ (و در دو طرف روز و نخستین ساعات شب نماز را برپا دار، زیرا خوبی‌ها بدی‌ها را از میان مبرد. این برا پندگیرندگان، پند است) (هود/۱۱۴). برخی مفسران، دو طرف روز را نماز صبح و مغرب دانسته‌اند. منظور از «زلف» هم نماز عشا است [۲۶، ج ۱، ص ۱۰۶؛ ۱۶، ج ۳، ص ۱۵۱؛ ۵، ج ۴، ص ۳۰۴؛ ۴۸، ص ۲۳].

۴. فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ أَنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَى (و خدا را پیش از طلوع خورشید و پیش از غروب آن و ساعاتی از شب تار و اطراف روز ستایش و تسبیح گوی) (طه/۱۳۰). ابن عباس گفته است: این آیه درباره نمازهای پنجگانه است [۳۲، ج ۴، ص ۳۱۲]. علامه طباطبایی در این باره می‌گوید: منظور، «اطراف» کل روزهاست و «اطراف النهار» مانند این قول خدا، «فقد صغت قلوبكما» است که به جای واحد و مثنی جمع آمده است که اگر روز به دو قسمت تقسیم شود نماز ظهر در جزء اول نصف دوم برگزار می‌شود که به نصف اول روز متصل است؛ یعنی انتهای نصف اول روز به ابتدای نصف دوم روز (وقت نماز ظهر) متصل است [۳۶، ج ۱۴، ص ۳۲۹].

۵. فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ (پس خدا را تسبیح گویند آن‌گاه که به عصر در می‌آیند و آن‌گاه که به بامداد در می‌شوید) (روم/۱۷). این آیه روشن‌ترین آیات درباره وقت نماز است. «سُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ» به معنای فرمان به نماز در هنگام شب (نمازهای مغرب و عشاء) و مراد از «حِينَ تُمْسُونَ» نماز صبح و منظور از «عشیاً» (مریم/۱۱) نماز عصر «و حِينَ تَطْهَرُونَ» (روم/۱۸) صلاة ظهر است [۴۰، ج ۶، ص ۱۵۵].

در روایات نیز سخن از پنج نماز واجب است:

۱. از جمله این روایات سخن پیامبر(ص) در تشبیه نماز به پنج بار غسل است که موجب پاکی و پاکیزگی می‌شود؛ حضرت(ص) می‌پرسد: «أرأیتُم لو أن نَهراً بباب أحدکم یغتسل فیهِ کل یوم خمس مرّات، هل یبق من درنه شیء» گفتند: «لایبق من درنه شیء»، پیامبر(ص) می‌افزاید: «کذلک مثل الصلوات الخمس یمحو اللّهُ بهن الخطایا» [۱۲، ج ۱، ص ۱۳۴؛ ۵۹، ج ۲، ص ۱۳۱؛ ۱۸، ج ۲، ص ۲۲۸].

۲. زرارة از امام باقر(ع) درباره نمازهای واجب پرسید. حضرت(ع) با استفاده از قرآن تعداد و اوقاتشان را چنین بیان فرمود: «خمس صلوات فی اللیل و النهار، فقلت: هل سماهن الله و بینهن فی کتابه؟ قال: نعم، قال الله تعالیٰ لنبيه صل الله علیه وآله: «أقم الصلاة لدلوك الشمس إل غسق اللیل» و دلوكها زوالها، و فیما بین دلوك الشمس إل غسق اللیل أربع صلوات، سماهن الله و بینهن و وقتهن و غسق اللیل هو انتصافه، ثم قال تبارک و تعالیٰ: «و قرآن الفجر إن قرآن الفجر كان مشهودا» فهذه الخامسة، و قال تبارک و تعالیٰ فی ذلك: «أقم الصلاة طرفی النهار» و طرفاه: المغرب و الغداة «و زلفا من اللیل» و هی صلاة العشاء الآخرة، و قال تعالیٰ: «حافظوا عل الصلوات و الصلاة الوسطی» و هی صلاة الظهر، و هی أول صلاة صلاها رسول الله صل الله علیه وآله، و هی وسط النهار و وسط صلاتین بالنهار صلاة الغداة و صلاة العصر و فی بعض القرائة حافظوا عل الصلوات و الصلاة الوسطی صلاة العصر، و قوموا لله قانتین» این حدیث به طرق گوناگون روایت شده است [۴۳، ج ۳، ص ۲۷۱؛ ۳۵، ج ۱، ص ۱۹۵، ۳۷، ج ۲، ص ۲۴۱؛ ۲۴، ج ۳، ص ۵].

**د - قبله مسلمانان:** یکی از موارد اختلاف ذکرها و مسلمانان مسئله قبله است؛ رعایت قبله در ارتباط با اعمالی چون صلاة، واجب به حساب آمده است؛ به گونه‌ای که اگر رعایت نگردد سبب بطلان عمل می‌شود. بخشی از آیات و روایات ناظر به جهت نماز چنین‌اند:

۱. قَدْ نَرَّ تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ (ما گردانیدن رویت در آسمان را نیک می‌بینیم. پس تو را به قبله‌ای که بدان خشنود شو برگردانیم. پس رو خود را به سو مسجدالحرام کن و هر جا بودید رو خود را به سو آن برگردانید. در حقیقت، اهل کتاب نیک می‌دانند که این تغییر قبله از جانب پروردگارشان و درست است و خدا از آنچه می‌کنند غافل نیست) (بقره/۱۴۴).

۲. قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ (بگو پروردگارم به دادگر فرمان داده است، و در هر مسجد رو خود را به سو قبله کنید، و در حال که دین خود را برا او خالص گردانیده‌اید و را بخوانید؛ همان‌گونه که شما را پدید آورد برم‌گردید) (اعراف/۲۹). آیات ۱۴۹ تا ۱۵۰ بقره نیز در همین جهت قابل یادآوری است. ذیل آیات فوق نوشته‌اند: خدا فرمان به رو کردن به سوی مسجدالحرام داده و رعایت جهت قبله واجب است [۳۳، ج ۱، ص ۶۸؛ ۷، ج ۱، ص ۱۵۱؛ ۵۰، ج ۱، ص ۸۰]. در روایات آمده است که رسول الله (ص) ابتدا به سوی بیت‌المقدس نماز می‌خواند، پس آیه ۱۴۴ بقره نازل و به حضرت (ص) دستور تغییر قبله داده شد [۱۹، ج ۱، ص ۲۹۵؛ ۴۹، ص ۲۶]. ابن عمر گفت: در حالی که مردم در مسجد قبا مشغول نماز صبح بودند کسی آمد و گفت: دیشب بر پیامبر (ص) آیه نازل شد و فرمان داد تا به مسجدالحرام رو شود. پس مسلمانان صورت‌های خود را از طرف بیت‌المقدس به طرف کعبه برگرداندند [۱۲، ج ۵، ص ۱۵۲؛ ۶۰، ج ۲، ص ۶۶؛ ۲۰، ج ۱، ص ۲۹۵]. بر این اساس مسلمانان وظیفه یافتند عبادات خود چون نماز را با توجه به قبله برگزار نمایند و به اجماع مسلمانان رو کردن به قبله از شروط صحت نماز است.

## ۶. نتیجه‌گیری

آیین ذکر به آیینی باطنی، متأثر از تصوف هندی است که توسط سیدمحمد اتمکی از تعالیم سیدمحمد جونپوری اخذ و به اقتضای شرایط دینی - فرهنگی بلوچستان، مرور زمان و جابجایی نخبگان این فرقه به صورت آیینی عامیانه در آمده است. فاصله‌گرفتن این فرقه محلی از تعالیم اسلام سبب شده است تا هم در عرصه اعتقاد چون توحید و نبوت و هم در میدان عمل و عبادت به خطا روند. تفاوت‌های بنیادین چهارگانه پیروی از سنت نبوی، صلوة، اوقات نماز و قبله نشان از جدایی این فرقه از مبانی قرآن و سنت دارد. آن‌ها بدون اسناد کافی و حجتی شرعی برخی اذکار و اوراد را جایگزین نماز کرده و جزء ستون دین و اصل بدیهی تفکرات خود دانستند و تا جایی به بی‌راهه رفته‌اند که اهتمام به ذکر را رکن و نماد شریعت دانسته، مخالفات را کفر شمرده‌اند. با توجه به توقیفی بودن نظام عبادات در اسلام و بدهت امر نماز، انکار و تحریف آن بدعتی است که صاحبش را از جرگه مسلمانان بیرون می‌برد.

## منابع

- [۱]. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- [۲]. احمد، سید نصیر (۲۰۰۳م). تفسیر ذکر وحدت، کراچی، آل پاکستان مسلم ذکری انجمن.
- [۳]. آسیابادی، احتشام الحق (۱۹۸۹م). ذگری دین کی حقیقت، تربت پاکستان، مجلس تحفظ ختم نبوت.
- [۴]. ابن حنبل، احمد (۱۴۲۱ق). المسند، بیروت، مؤسسه الرسالة.
- [۵]. ابن کثیر، اسماعیل (۱۴۱۲ق). تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالمعرفه للطباعة والنشر والتوزیع.
- [۶]. احمدزائی کمبران، نصیرخان (۲۰۰۱م). تاریخ بلوچ و بلوچستان، کویت، یونائٹڈ پرنٹرز.
- [۷]. استرآبادی، محمد بن علی (؟). احکام القرآن، تهران، مکتبه المعراجی.
- [۸]. اسعدی، محمد (۱۳۸۸ش). «بررسی اجمالی فرقه ذکریه». پژوهش‌های منطقه‌ای، پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی، شماره ۲، صص ۱۵۷-۱۸۷.
- [۹]. اشرفی، امیر رضا و الهام فردوسی (۱۳۸۹ق). «معناشناسی صلوة در قرآن» قرآن شناخت، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، شماره ۵، صص ۷۵-۱۰۸.
- [۱۰]. افشار، ایرج، (۱۳۷۱ش). بلوچستان و تمدن دیرینه آن، تهران، سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- [۱۱]. بجارانی بزنجو، جی ایس (؟). نور تجلی، بی‌جا، بی‌نا.
- [۱۲]. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق). الجامع الصحیح، بیروت، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
- [۱۳]. بلوچ، حمید، (۲۰۰۹م). مکران، کراچی، سید هاشمی ریفرینس لائبریری.
- [۱۴]. بلوچ، عبدالحق (۱۹۹۲م). ذکری مسئله، لاهور، دارالعروبه منصوره.
- [۱۵]. بلوچ، عبدالغنی (۱۹۹۶م). ذکری فرقه کی تاریخ، کراچی، آل پاکستان مسلم ذکری انجمن.
- [۱۶]. بیضاوی، عبدالله بن محمد (۱۴۱۸ق). انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی للطباعة والنشر والتوزیع، الطبعة الأولى.
- [۱۷]. بیهقی، أحمد بن الحسین (؟). السنن الکبری، بیروت، دارالفکر.
- [۱۸]. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۳۹۵ق). سنن الترمذی، تحقیق، احمد محمد شاکر، مصر: شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي.
- [۱۹]. جزیری، عبدالرحمن و دیگران (۱۴۱۹ق). الفقه على المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت (ع)، بیروت، دارالثقلین، الطبعة الأولى.
- [۲۰]. جصاص، احمد بن علی (۴۰۵ق). احکام القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۲۱]. جعفری، علی اکبر (۱۳۶۳ش). کوچ و بلوچ، بی‌جا، سخن.



- [۲۲]. جعفری، یعقوب (۱۳۷۶ش). تفسیر کوثر، قم، انتشارات هجرت.
- [۲۳]. حداد عادل، غلامعلی (۱۳۸۶ش). دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی.
- [۲۴]. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). وسایل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
- [۲۵]. حسنی، عبدالحی (۱۴۱۰ق). نزهة الخواطر و بهجة المسامع و النواظر، دکن، حیدرآباد.
- [۲۶]. حسینی جرجانی، سید امیر ابوالفتح (۱۴۰۴ق). آیات الاحکام، تهران، انتشارات نوید.
- [۲۷]. درازئی، اسحاق (؟). ذکرى کون هین، کراچی، عبدالرحیم بلوچ.
- [۲۸]. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات فى غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان الداودی، بیروت، دارالشامیه.
- [۲۹]. رحمان، علی (۱۹۱۴م). تذکره علمای هند، لکهنو، بی نا.
- [۳۰]. محمدی ری شهری، محمد (۱۴۲۵ق). موسوعه العقائد، قم، دارالحدیث للطباعة والنشر.
- [۳۱]. سرافرازی، عباس (۱۳۹۰ش). «فرقه مذهبی ذکریه در بلوچستان» پژوهش نامه تاریخ اسلام، پژوهشکده تاریخ اسلام، صص ۴۹-۷۴.
- [۳۲]. سیوطی، جلال الدین (؟). الدر المنثور فى التفسیر بالمأثور، بیروت، دارالفکر.
- [۳۳]. شافعی، محمد بن ادريس (؟). احکام القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- [۳۴]. شهزاده، محمد ایوب (۱۹۷۳م). ثنای مهدی، کراچی، ذکرى مهدوی استیودنتس آرگنایزیشن.
- [۳۵]. صدوق، محمدبن علی (؟). من لایحضره الفقیه، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، الطبعة الثانية.
- [۳۶]. طباطبائی، محمد حسین (؟). المیزان فى تفسیر القرآن، ترجمه: سیدمحمدباقر موسوی همدان، قم، دفتر انتشارات اسلام.
- [۳۷]. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام، تحقیق: سید حسن موسوی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- [۳۸]. ——— (۱۳۶۴ش). الخلاف، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
- [۳۹]. عسقلانی، ابن حجر (؟). فتح الباری، بیروت، دارالمعرفة للطباعة والنشر، الطبعة الثانية.
- [۴۰]. فخر رازی، محمد بن عمر (؟). تفسیر مفاتیح الغیب، بی جا، بی نا.
- [۴۱]. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۸۴ق). الجامع لأحكام القرآن، تحقیق احمد البردونی، قاهره، دارالکتب المصریه.
- [۴۲]. قصرقندی، شیخ محمد (؟). در وجود، کتابخانه آسیابادی، تربت پاکستان، نسخه خطی.
- [۴۳]. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ش). الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- [۴۴]. کیهراسی، علی بن محمد (۱۴۰۵ق). احکام القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- [۴۵]. گنابادی، سلطان محمد (۱۴۰۸ق). تفسیر بیان السعادة فى مقامات العبادة، بیروت، مؤسسه الاعلمی.

- [۴۶]. لاری، عزیز (۱۹۷۲م). *حقیقت نور پاک و سفرنامه مهدی، کراچی، به کوشش ملا مزار عومرانی.*
- [۴۷]. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، تحقیق: محمدباقر بهبودی، بیروت، مؤسسه الوفاء.*
- [۴۸]. مدیر شانه‌چی، کاظم (۱۳۸۲ش). *آیات الأحکام، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، چاپ سوم.*
- [۴۹]. مغربی، نعمان (۱۳۸۳ق). *دعائم الاسلام، قاهره، دارالمعارف.*
- [۵۰]. مقداد سیوری، جمال الدین (۱۳۴۳ش). *کنز العرفان فی فقه القرآن، تهران، المكتبة الرضویة.*
- [۵۱]. ملا اعظم (؟). *سیر جهانی، تربت پاکستان، کتابخانه آسیابادی، نسخه خطی.*
- [۵۲]. ملا عبدالمجید، (؟). *ذکری مذهب اور اسلام، تربت پاکستان، مجلس تحفظ ختم نبوت.*
- [۵۳]. ملا کمالان، هوت، (؟). *معراج نامه، تربت پاکستان، کتابخانه آسیابادی، نسخه خطی.*
- [۵۴]. ملکی تیریزی، میرزا جواد آقا (۱۳۷۲ش). *اسرار الصلوة، تهران، انتشارات پیام آزاد.*
- [۵۵]. مولائی شیدایی، میر رحیم دادخان (۱۳۷۱ق). *بلوچستان مین مهدوی تحریک، سند: بزم ادب، شهدادپور.*
- [۵۶]. ناصح، علی احمد، غلامحسین اعرابی و وفاء نصرالله (۱۳۹۳ش). «بررسی و نقد دیدگاه‌های قرآنی و حدیثی قرآنیون اهل سنت» پژوهش‌نامه معارف قرآنی، دانشگاه علامه طباطبائی، سال پنجم، شماره ۱۶، صص ۱۵۳-۱۵۹.
- [۵۷]. نوری، سیدعیسی (۲۰۱۰م). *ذکری تحریک مختصر تاریخ و تعارف، تربت پاکستان، الذاکرین ویلفئیر فاونڈیشن.*
- [۵۸]. \_\_\_\_\_ (۲۰۰۰م). *ذکر وحدت، تربت پاکستان، الذاکرین ویلفئیر فاونڈیشن.*
- [۵۹]. نیشابوری، مسلم بن حجاج (۱۳۹۸ق). *الجامع الصحیح، بیروت، دارالفکر.*
- [۶۰]. هوشنگ (۱۹۸۹م). *شوهاز، لندن، بی‌نا.*